

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل هفتم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

فصل هفتم

مقاومت، تجدید نظر، و برگشت

مقاومت ممکن است بخاطر دلایل بسیاری داشته باشد و صحیح نیست همیشه دلیل آن را بی اطاعتی شمرد. بعضی مواقع بخاطر یأس و دلسردی است، بعضی مواقع بخاطر شک است، دیگر مواقع سوء تفاهم است، و بعضی مواقع بخاطر شک و ترس می باشد. همیشه لازم است دلیل آنکه چرا متقاضی پیشرفت نمی کند را تفحص کرد. و این بخاطر آن است که هر دلیلی راه حل خودش را دارد. قضاوت در خصوص بی اطاعتی را بگذارید پس از آنکه تمام دلایل دیگر را مورد تفحص قرار داده اید، اتخاذ کنید (۱).

بعنوان مثال، اگر نتیجه پیگیری شما نشان داد که ترس (۲) عامل اصلی است، پس تشویق به اطاعت از کلام خدا کار بیهوده ای خواهد بود. البته تشویق و ترغیب همیشه جزء کار باید باشد، اما مهم این است که موضوع ترس، و دلیلی که دارد، باید مکشوف بشود. سپس می توانید از این آیات استفاده کنید تا جنبه ای که با خدا دارد را برای متقاضی باز کنید:

پیدایش ۳

۱۰: گفت: «صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا که عریانم، از این رو خود را پنهان کردم.»

امثال ۱۰

۲۴: هر آنچه شریر از آن می ترسد، بر سرش می آید؛ هر آنچه پارسا آرزو می کند، به او عطا می شود.

متی ۱۰

۲۶: «بنابراین، از آنان مترسید. هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود و هیچ چیز پوشیده نیست که عیان نگردد.

۳۱: پس مترسید، زیرا ارزش شما بیش از هزاران گنجشک است.

دوم تیموتائوس ۱

۷: زیرا روحی که خدا به ما بخشیده، نه روح ترس، بلکه روح قوت و محبت و انضباط است.

عبرانیان ۲

۱۴: از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود، صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد،

۱۵: و آنان را که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده اند، آزاد سازد.

اول پطرس ۳

۶: چنانکه سارا مطیع ابراهیم بود و او را سرور خود می خواند. شما نیز اگر نیک کردار باشید و هیچ ترس به دل راه ندهید، فرزندان او خواهید بود.

۱۳: اگر برای نیکویی کردن غیورید، کیست که به شما ضرر رساند؟

۱۴: اما حتی اگر در راه حق رنج دیدید، خوشا به حالتان! «از آنچه آنان پروا دارند، شما پروا نداشته باشید و مضطرب مشوید.»

اول یوحنا ۴

۱۸: در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است.

توجه داشته باشید که گفتم این آیات را «باز» کنید. منظور تنها خواندن کلام نیست، بلکه باید مفهومی که در متن دارد، و همچنین رابطه ای که با موضوع ویژه متقاضی دارد را آشکار کنید. در واقع همیشه باید آیات را در خصوص مفهومی که در متن کلام دارند، و رابطه ای که می توانند با متقاضی داشته باشند، را بیان کنید (۳).

مقاومت ممکن است به اشکال مختلف بروز دهد. من در اینجا صحبت از آنها نخواهم کرد، و تنها توجه شما را به آنکه متقاضی ممکن است دچار ناامیدی شده باشد (۴)، برداشت ناصحیح را بدست آورده باشد، یا دلایل دیگر، جلب خواهم کرد. بعضی مواقع برداشت نادرست (یا سوء تفاهم) است که باعث مقاومت متقاضیان می گردد. ممکن است برداشت نادرستی از کلام بدست آورده باشند، یا تعریف شما را نفهمیده باشند. حتی ممکن است تضادی میان برداشت های او و آنچه شما به زبان آورده اید ایجاد شده باشد (که نمونه آن ممکن است در پطرس بوجود آمده بود). در چنین صورتی امکان آن هست که بخاطر وفاداریش به خدا است که مقاومت می کند (۵). به او کمک کنید برداشت صحیحی را بدست آورد.

بعضی متقاضیان ممکن است مقاومتشان بخاطر آن است که نمی دانند چکار بکنند، یا چگونه از کلام اطاعت کنند. همچنین ممکن است برداشت کامل تری از آنچه خدا از ایشان می خواهد را بدست نی آورده باشند. در چنین مواقعی، لازم است زمینه آنچه در پیش است را برایشان آشکار کنید. سوالاتشان باید مطرح شود و برداشتی که از جواب ها گرفته اند نیز مورد تایید شما قرار بگیرد. و در صورتی که درک مطالب برای متقاضی مشکل می باشد (بطوری که غالباً پیش می آید)، لازم خواهد بود مطالب را به گونه ای دیگر بیان کنید تا برداشت او مورد تایید شما قرار بگیرد. و در خصوص کسانی که مشکل اجرای کلام را دارند، لازم خواهد بود پیشنهاداتی را بکنید و برنامه انجام آن را بصورت تکلیف خانگی برایشان فراهم بسازید. بنا بر این، دلایل بسیاری وجود دارد (بعضی بر حق، و بعضی نه) برای آنکه کسی کلام خدا را، که بنظر شما امری کاملاً روشن می باشد، اطاعت نکند.

یکی از نمونه های بسیار جالبی از مقاومت که در کلام خدا آمده را در مورد پطرس می بینیم که در اعمال ۱۰ مطرح شده:

۱. در شهر قیصریه مردی بود، گرنلیوس نام، از فرماندهان هنگ رومی موسوم به «هنگ ایتالیایی» ۲. او و اهل خانه اش همگی پرهیزگار و خداترس بودند. گرنلیوس سخاوتمندانه به مستمندان صدقه می داد و پیوسته به درگاه خدا دعا می کرد. ۳. روزی حوالی ساعت نهم از روز^[۱] آشکارا در رؤیا دید که فرشته خدا نزدش آمد و گفت: «ای گرنلیوس!» ۴. گرنلیوس با وحشت به او چشم دوخت و پاسخ داد: «بله، سرورم!» فرشته گفت: «دعاها و صدقه های تو چون هدیه یادگاری به پیشگاه خدا برآمده است. ۵. اکنون کسانی به یافا بفرست تا شمعون معروف به پطرس را بدینجا بیاورند. ۶. او نزد دباغی شمعون نام که کنار دریا منزل دارد، میهمان است.» ۷. چون فرشته ای که با او سخن

می گفت او را ترک کرد، گرنلیوس دو تن از خادمان و یکی از سپاهیان خاص خود را که مردی دیندار بود، فراخواند ۸. و تمام ماجرا را بدیشان باز گفت و آنها را به یافا فرستاد.

۹. روز بعد، نزدیک ظهر، چون در راه بودند و به شهر نزدیک می شدند، پطرس به بام خانه رفت تا دعا کند. ۱۰. در آنجا گرسنه شد و خواست چیزی بخورد. چون خوراک را آماده می کردند، به حالت خلسه فرورفت. ۱۱. در آن حال دید که آسمان گشوده شده و چیزی همچون سفره ای بزرگ که از چهارگوشه آویخته است، به سوی زمین فرود می آید. ۱۲. و از انواع چهار پایان و خزندگان و پرندگان پر است. ۱۳. آنگاه ندایی به او رسید که: «ای پطرس، برخیز، ذبح کن و بخور!» ۱۴. پطرس گفت: «حاشا از من، خداوندا، زیرا هرگز به چیزی حرام یا نجس لب نزده ام.» ۱۵. بار دوم ندا آمد که «آنچه خدا پاک ساخته است، تو نجس مخوان!» ۱۶. این امر سه بار تکرار شد و سپس سفره بی درنگ به آسمان بالا برده شد.

۱۷. در همان حال که پطرس با حیرت به معنی رؤیا می اندیشید، فرستادگان گرنلیوس خانه شمعون را جست، به در خانه او رسیدند. ۱۸. آنان با صدای بلند می پرسیدند: «آیا شمعون معروف به پطرس در اینجا میهمان است؟» ۱۹. پطرس هنوز به رؤیا می اندیشید که روح به او گفت: «بنگر، سه تن تو را می جویند. ۲۰. برخیز و پایین برو و در رفتن با ایشان تردید مکن، زیرا آنها را من فرستاده ام.»

۲۱. پطرس پایین رفت و به آنان گفت: «من همانم که می جویید. سبب آمدنتان چیست؟» ۲۲. گفتند: «گرنلیوس فرمانده ما را فرستاده. او مردی پارسا و خداترس است و یهودیان همه به نیکی از او یاد می کنند. او از فرشته ای مقدس دستور یافته که در پی تو بفرستد و تو را به خانه خود دعوت کرده، سخنانت را بشنود.» ۲۳. پس پطرس آنها را به خانه برد تا میهمان او باشند.

روز بعد برخاست و همراه آنان روانه شد. برخی از برادران اهل یافا نیز با وی رفتند. ۲۴. فردای آن روز به قیصریه رسیدند. گرنلیوس خویشان و دوستان نزدیک خود را نیز گرد آورده بود و منتظر ورود آنان بود. ۲۵. چون پطرس به خانه درآمد، گرنلیوس به استقبال او شتافت و به پایش درافتاده، او را پرستش کرد. ۲۶. اما پطرس او را بلند کرد و گفت: «برخیز؛ من نیز انسانی بیش نیستم.» ۲۷. سپس گفتگوکنان با وی به خانه درآمد و در آنجا با جمعی بزرگ روبه رو شد. ۲۸. پطرس به آنان گفت: «شما خود آگاهید که برای یهودیان حرام است که با اجنبیان معاشرت کنند یا به خانه آنها بروند. اما خدا به من نشان داد که هیچ کس را نجس یا ناپاک نخوانم. ۲۹. پس چون در پی من فرستادید، بدون هیچ اعتراضی آمدم. اکنون بگویید، از چه سبب مرا طلب کرده اید؟»

۳۰. گرنلیوس پاسخ داد: «چهار روز پیش در همین وقت، حوالی ساعت نهم، در خانه خویش به دعا مشغول بودم که ناگاه مردی در جامه ای نورانی در برابرم ایستاد. ۳۱. و گفت: "گرنلیوس، دعایت مستجاب گردیده و صدقاتت در حضور خدا به یاد آورده شده است. ۳۲. کسانی به یافا بفرست تا شمعون معروف به پطرس را به اینجا بیاورند. او نزد شمعون دباغ که خانه اش کنار دریاست، میهمان است." ۳۳. پس بی درنگ در پی تو

فرستادم و تو نیز لطف کردی و آمدی. اینک همه ما در حضور خدا حاضریم تا هر آنچه خداوند به تو فرموده است، بشنویم.»

۳۴. پطرس چنین سخن آغاز کرد: «اکنون دریافتم که براستی خدا تبعیضی میان مردمان قائل نیست؛ ۳۵. بلکه از هر قوم، هر که از او بترسد و پارسایی را به عمل آورد، مقبول او می گردد. ۳۶. شما آگاهید از پیامی که خدا برای قوم اسرائیل فرستاد و به واسطه عیسی مسیح که خداوند همه است، به صلح و سلامت بشارت داد. ۳۷. شما می دانید که این امر چگونه پس از تعمیدی که یحیی بدان موعظه می کرد، در جلیل آغاز شد و در سرتاسر یهودیه رواج گرفت، ۳۸. و چگونه خدا عیسای ناصری را با روح القدس و قدرت مسح کرد، به گونه ای که همه جا می گشت و کارهای نیکو می کرد و همه آنان را که زیر ستم ابلیس بودند، شفا می داد، از آن رو که خدا با او بود. ۳۹. «ما شاهدان همه اعمالی هستیم که او در سرزمین یهود و در اورشلیم انجام داد. آنها او را بر صلیب کشیده، کشتند. ۴۰. اما خدا او را در روز سوّم برخیزانید و ظاهر ساخت، ۴۱. اما نه بر همگان، بلکه تنها بر شاهدانی که خود از پیش برگزیده بود، یعنی بر ما که پس از رستاخیز او از مردگان، با او خوردیم و نوشیدیم. ۴۲. او به ما فرمان داد تا این حقیقت را به قوم اعلام کنیم و شهادت دهیم که خدا او را مقرر فرموده تا داور زندگان و مردگان باشد. ۴۳. پیامبران جملگی درباره او شهادت می دهند که هر که بدو ایمان آورد، به نام او آمرزش گناهان خواهد یافت.»

۴۴. پطرس هنوز سخن می گفت که روح القدس بر همه آنان که پیام را می شنیدند، نازل شد. ۴۵. شماری از ایمانداران یهودی نژاد که همراه پطرس آمده بودند، چون دیدند روح القدس حتی بر غیر یهودیان نیز فرو ریخته است، در حیرت افتادند. ۴۶. زیرا شنیدند که ایشان به زبانهای غیر سخن می گویند و خدا را می ستایند. آنگاه پطرس گفت: ۴۷. «حال که اینان روح القدس را درست همانند ما یافته اند، آیا کسی می تواند از تعمیدشان در آب مانع گردد؟» ۴۸. پس دستور داد ایشان را در نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از پطرس خواستند چند روزی با ایشان بماند. [۱] منظور ساعت سه بعد از ظهر است.

بطوری که می بینید، مقاومت پطرس در برابر شخص خداوند بود (آیه ۱۴) (۶). خدا به او گفت (از طریق صدای آسمانی) بخور، اما پطرس در کمال گیجی گفت «نه». این مقاومت است. و بنظر می رسد که مقاومت او قوی بود که خدا مجبور شد سه بار به او بگوید (آیه ۱۶). مقاومت او را قوی نامیدم چون این برخوردی مستقیم بود با خدا، و پطرس خود می دانست (گفت «حاشا از من، خداوندا»). با این وجود، سه بار پطرس امتنی ورزید! اما خدا پطرس را رها نکرد. چرا؟ چون در پریشانی حالش (و حتماً زیاد بود)، فکر می کرد از او خواسته شده کاری انجام دهد (۷) که بخاطر اطاعت از خدا، تمام عمر از آن دوری کرده بود. و در نتیجه آن، دستور خدا را رد کرد و گفت: «زیرا هرگز به چیزی حرام یا نجس لب نزده ام.» فکر می کرد تناقضی باید در کار باشد. و این تناقض است، که چگونه ای در همه متقاضیانی که می دانند خدا از آنها چه می خواهد و در برابرش مقاومت می کنند، وجود دارد. به این دلیل است که فکر می کنند خدا را می شناسند و آنچه در کلامش آمده با آنچه از او می شناسند مقایرت دارد. فکر می کنند خدا را بهتر از خودش می شناسند، و شاید کلامش اشتباه کرده است! من متقاضیانی داشته ام که بمن گفته اند، «من می دانم

کلام این را می گوید، ولی درست نیست. باید تعریف یا تفسیر یا دلیل دیگری باشد. غیر ممکن است که خدا از من این را بخواهد. و در اینجا است که با نیاز شناخت بیشتر و بهتر متقاضیان از خدا مواجه می شویم. اشکال را در مقاومت ببینید. اشکال در دلیل مقاومت است. پطرس مقاومت کرد، ولی خدا پافشاری کرد، و این کاری است که شما باید بکنید (۸). او را با عهد جدیدی که دنیا آمده بود، آشنا کرد (”۱۵: بار دوم ندا آمد که «آنچه خدا پاک ساخته است، تو نجس مخوان!»). خدا غیر یهودیان را نیز پاک ساخته بود (آیه ۱۵: ۹). علاوه بر این، لازم بود پطرس داخل منزل غیر یهود می رفت و غذای ناپاک (”حرام“) او را می خورد. این دو عمل در دین یهود حرام محسوب می شد.

بالاخره، پس از آنکه پطرس آغاز به فکر کردن راجع به این موضوع کرد، و همچنین فرستادگان گرنلیوس به جانب پطرس (شمعون) آمدند (آیات ۱۷ تا ۲۰)، متوجه امور جریانات گردید (آیه ۲۸). و پس از صحبت های گرنلیوس (آیات ۳۰ تا ۳۳)، و عطای روح القدس (آیه ۴۴)، متوجه حقایق بیشتری نیز شد. عاملی که در او به جریان افتاده بود، تجدید نظر (بازاندیشی) بود. پطرس فکر می کرد که می داند، اما متوجه شد که اینطور نیست. اما حال آنچه خدا در متی ۱۶: ۱۹ به او وعده داده بود، نیز آشکار شد. همانگونه که کلید کلیسای مسیح برای یهودیان به او داده شده بود، حال کلید دوم، یعنی کلید باز کردن کلیسا بر روی غیر یهودیان نیز، داده شد. پس از آنکه از موضوع آگاه شد، دیگران را نیز از آن باخبر نمود (اعمال ۱۱: ۱ تا ۱۸) (۱۰).

آنچه در این آیات مشاهده کرده اید، نمونه رسولی از خدا است که نیاز به رسیدن به نقطه عطفی در زندگیش بود تا بتواند به خوبی خدمتش را انجام دهد. گشایش برایش ایجاد شد، اما، احتیاج به مکاشفه خدا بود تا این گشایش ایجاد بگردد. به همین سان، نمی توان انتظار داشت گشایشی که کفایت و دوام لازم را دارد بوجود آید، مگر آنکه از درک و پذیرش حقیقتی که خدا مکشوف کرده نیز بهرمنده شده باشد. البته شما صفره ای از آسمان نخواهید داشت، اما آنچه در دست دارید، کلام زنده خدا است، از عهد قدیم تا عهد جدید. شناخت کامل از خدا را در کلام می بینیم، و گشایش ها همه بر اساس شناختی است که روح القدس بواسطه کلامش ایجاد می کند (۱۱).

و بالاخره در انتهای قضیه مربوط به پطرس، می بینیم که دوباره مواجه با مشکلات می شود، این بار نه چندان بخاطر درک موضوع، بلکه در زمینه رفتاری مطابق آنچه درک کرده بود (چون آنچه مطرح است افکار و رفتار خدا است. هر دو، نه یکی بدون دیگری).

غلاطیان ۲

۱۱: اما چون پطرس به أنطاکیه آمد، با او رویاروی مخالفت کردم، چه آشکارا تقصیر کار بود.
 ۱۲: زیرا پیش از آنکه کسانی از جانب یعقوب درآیند، با غیر یهودیان همسفره می شد، اما همین که آنها آمدند، پا پس کشید و خود را جدا کرد، چرا که از اهل ختنه بیم داشت.
 ۱۳: سایر یهودیان نیز در این ریاکاری به او پیوستند، به گونه ای که حتی برنابا نیز در ریاکاری آنان گرفتار آمد.

۱۴: اما من چون دیدم آنان در راستای حقیقت انجیل، استوار گام نمی زنند، در حضور همه پطرس را گفتم: «اگر تو، با اینکه یهودی هستی، همچون غیر یهودیان زندگی می کنی نه چون یهودیان، چگونه است که غیر یهودیان را وامی داری که از رسوم یهودیان پیروی کنند؟»

۱۵: ما که یهودی زاده ایم و نه به اصطلاح «غیریهودی گناهکار»،

۱۶: می دانیم که انسان نه با اعمال شریعت، بلکه با ایمان به عیسی مسیح پارسا شمرده می شود. پس ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا با ایمان به مسیح پارسا شمرده شویم و نه با اعمال شریعت، زیرا هیچ بشری از راه انجام اعمال شریعت پارسا شمرده نمی شود.

۱۷: اما اگر در حالی که در پی پارسا شمرده شدن به واسطه مسیح هستیم، معلوم شود که گناهکاریم، آیا این بدان معنی است که مسیح مشوق گناه است؟ به هیچ روی!

۱۸: زیرا اگر آنچه را که خود ویران کردم از نو بنا کنم، در آن صورت نشان می دهم که به شریعت نافرمانم.

۱۹: زیرا من به واسطه خود شریعت، نسبت به شریعت مردم تا برای خدا زیست کنم.

۲۰: با مسیح بر صلیب شده ام، و دیگر من نیستم که زندگی می کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می کند؛ و این زندگی که اکنون در جسم می کنم، با ایمان به پسر خداست که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد.

۲۱: فیض خدا را باطل نمی شمارم، زیرا اگر پارسایی از راه شریعت به دست می آمد، پس مسیح بیهوده مرد.

توجه داشته باشید که متقاضیان شما نیز امکان زیادی دارد پس از گشایش از درک حقیقت کلام، دوباره به طرق گذشته خویش باز گردند. حتی پس از گذشت دوران تجزیه و تحلیل افکار شخصی، گذشت دوران مقاومت، و شاید رفتار جدیدی که بر اساس آنچه آموخته اند، دوباره به راه های قدیم خود باز گردند. فکر نکنید دانستن حقیقت کافی است. حکمت از هر دو دانش و عمل بدست می آید. تا زمانی که متقاضی محبت (خدا) را در همه لحظات زندگیش تجربه نکند، نمی توان گفت که ”در محبت ریشه دوانیده، استوار گردیده“ است.

افسسیان ۳

۱۷: تا مسیح به واسطه ایمان در دلهای شما ساکن شود، و در محبت ریشه دوانیده، استوار گردید، تنها عشق به خدا است که انسان را در مقابل وسوسه ها ”استوار“ می گرداند. در این راه نیز باید سرمایه گذاری کرد. رفتار های عمدی بمنظور و خاطر خدا، باید جای رفتار های ناخودآگاه گذشته را بگیرد.

علاوه بر این، اگر متقاضی گرفتار شد و میوه ناسالم بوجود آورد، بیاد او بیاندازید که خدا می فرماید:

مکاشفه ۲

۵: به یاد آر که از چه اوجی سقوط کرده ای. پس توبه کن و اعمالی را به جا آور که در آغاز به جا می آوردی. چه اگر توبه نکنی، خود خواهم آمد و چراغدانان را از آنجا که هست برمی گیرم.

می فرماید، ابتدا ”به یاد آر“. باید رد پای روح گناه را در زندگی شناخت تا بتوان حدود و جزئیات کار پاکسازی را بدست آورد. سپس کلام، توبه را فرمان می دهد که شامل تغییر افکار و تغییر رفتار می باشد.

در رابطه با پطرس، جالب اینجا است که او با وجود آنکه حقیقت را درک کرده بود و می دانست رفتار متقابل چگونه است، به خاطر فشاری که از جانب دیگران وارد شده بود به راه قدیم خود باز گشت (غلاطیان ۲: ۱۲ و ۱۳). در قرن‌تین پولس این هشدار را می دهد:

اول قرن‌تین ۱۵

۳۳: فریب مخورید: «معاشر بد، اخلاق خوب را فاسد می سازد.»

آنچه می خواهد بیاموزد این است که، حتی پس از آنکه درک و رفتار صحیح بوجود آمده و شاید تبدیل به عادت نیز شده، ممکن است ایماندار بخاطر نفوذی که «معاشر بد» می گذارد، به راه قدیم خود برگردد. در کتاب امثال نیز معاشرت از عمده مبحث های صحبت شده می باشد. موضوع اینجا است که پطرس نیاز داشت ایماندار دیگری او را نسبت به نفوذی که دیگران بر او می گذارند آشنا کند. شما نیز بعنوان مشاور مسیحی لازم است امکان برگشت را پیش بینی کنید، و به متقاضیانی که گشایشی را دریافت کرده اند امکانات برگشت را توضیح بدهید، خصوصاً فشار هائی که از طریق معاشرت ها برایشان ایجاد می گردد. هیچ هشدار و بررسی بیش از این، اهمیت ندارد. منظور درس گرفتن از آیات بی شماری است که کلام خدا در این رابطه فراهم ساخته است. شما باید متقاضیان را بقدری در حقیقت کاشته و ریشه دار کنید که هیچ نفوذ خارجی نتواند آنها را در آورد. بحث و گفتگو را نیز باید شامل افرادی کنید که امکان مخالفت و فشار های گوناگون (خانواده، همکاران، همشاگردان، غیره) را دارند. به آنها کمک کنید چگونه با چنین افرادی معاشرت کنند. باید خود را بعنوان ایماندار در محیط زندگی جای دهند (نشانه غسل تعمید). در تمام این راه ها است که شما به درستی به متقاضیان خود خدمت می کنید، و همچنین به خدا و کلیسای خود که نیاز به مشاوران بسیاری دارد. آیا شما خود را قادر و توانا می دانید؟ اگر اینطور نیست، آیا به کوشش در این راه ادامه خواهید داد؟

فهرست زیر نویس های فصل هفتم

- (۱) یا تا زمانی که متقاضی خود اعلام کند که کلام خدا را قبول ندارد، و فرقی نمی کند شما چه بگوئید. حتی در این صورت نیز ممکن است متقاضی بی اطاعتی را شامل ترس یا دلیل دیگری کرده باشد. سعی کنید همه امکانات مقاومت او را بررسی کرده باشید.
- (۲) یکی از دلائل قوی و تضعیف کننده مقاومت، ترس است. ممکن است شکل ترس از عواقب، ترس از مردم، یا ترس از صدمات را بگیرد. هر مشاور لازم است بیاموزد چگونه با این دلائل رسیدگی کند. اما توجه نیز داشته باشید که ترس ممکن است حقیقی نباشد.

امثال ۲۲

۱۳: کاهل در خانه می ماند و می گوید: «شیری بیرون در کمین است!» یا «در خیابان به قتل خواهم رسید!»

باید بتوانید ترس حقیقی را با بهانه تراشی تمیز بدهید. معمولاً زمانی که حقیقت مطلب را جویا می شوید، به آن دست رسی نیز پیدا می کنید.

(۳) حتی اگر متقاضی نشان دهد همه چیز را خود می داند، مشاور لازم دارد آن را یادآوری کند:

دوم پطرس ۱

۱۲: پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید.

۱۳: آری، مصلحت چنین می داند تا آنگاه که در این خیمه ساکنم، شما را از طریق یادآوری برانگیزانم،

۱۴: زیرا می دانم بزودی این خیمه را وداع خواهم گفت، چنانکه خداوند ما عیسی مسیح مرا آگاهانید.

۱۵: از این رو هر چه در توان دارم خواهم کرد تا بتوانید پس از رحلت همواره این امور را به یاد آورید.

(۴) در خصوص موضوع ناامیدی، به فصل ۴ دوم قرنثیان رجوع کنید تا ببینید پولس چگونه در شرایطی که بنظر کاملاً ناامید کننده بود، ایستادگی کرد. همچنین به این آیات رجوع نمایید:

دوم قرنثیان ۶

۴: بلکه در هر چیز شایستگی خود را نشان می دهیم، آن گونه که از خادمان خدا انتظار می رود: با بردباری بسیار در زحمات، در سختیها، در تنگناها،

۵: در تازیانه ها، در زندانها، در هجوم خشمگین مردم، در کار سخت، در بی خوابی، و در گرسنگی؛

۶: با پاکی، با معرفت، با صبر، با مهربانی، با روح القدس، با محبت بی ریا،

۷: با راستگویی، با قدرت خدا، با اسلحه پارسایی به دست راست و چپ؛

۸: در عزت و ذلت، و بدنامی و نیکنامی. گویی گمراه کننده، اما حقیقت را می گوئیم؛

۹: گویی گمنام، اما شناخته شده ایم؛ گویی در حال مرگ، اما هنوز زنده ایم؛ گویی دستخوش مجازات، اما از پا در نیامده ایم؛

۱۰: گویی غمگین، اما همواره شادمانیم؛ گویی فقیر، اما بسیاری را دولتمند می سازیم؛ گویی بی چیز، اما صاحب همه چیزیم.

و به دوم قرنثیان ۱۱: ۲۳ تا ۲۸ نیز رجوع نمایید. در آغاز فصل چهارم این کتاب، پولوس می گوید:

دوم قرننتیان ۴

۱: پس چون در نتیجه رحمتی که بر ما شده است از چنین خدمتی برخورداریم، دلسرد نمی شویم.

یکی از عوارض مقاومت به این شکل است که متقاضی تکالیف خانگی را انجام نمی دهد، چون فکر می کند، "فایده ای ندارد". در این صورت می توانید از این آیات استفاده کنید:

اول قرننتیان ۱۵

۵۷: اما شکر خدا را که به واسطه خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می بخشد.

۵۸: پس، برادران عزیزم، ثابت و استوار بوده، همواره با سرسپردگی به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می دانید زحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

(۵) در چنین صورتی، اتهام بی اطاعتی اشتباه بزرگی خواهد بود. ممکن است برداشت او از کلام یا کاربرد آن صحیح نباشد، اما وفاداری او به خدا و روحیه اش نسبت به او ممکن است پا برجا باشد.

(۶) بیاد داشته باشید که اگر فضائی که در جلسات مشاوره ایجاد کرده اید صحیح بوده، متقاضی همیشه توجه خواهد داشت که مقاومت او بر ضد خدا است، نه شما. در نتیجه، داستان پطرس مثال خوبی برای متقاضی خواهد بود.

(۷) برای عکس این جریان، به داستان ابراهیم (پیدایش ۲۲: ۱ تا ۱۰) و هوشع (هوشع ۱: ۲ و ۳) رجوع نمایید. همچنین عبرانیان ۱۱: ۱۷ تا ۱۹ صحبت از استدلالی می کند که ابراهیم بکار برد، و در مورد واکنش پطرس، متی ۱۶: ۲۲ و ۲۳ همان پاسخ را که بخاطر نظر اشتباه دیگری که داشت نشان می دهد.

(۸) از طریق تفسیر (شرح و بیان) دقیق و کامل کلام، تا متقاضی تفسیر را مطابق با کلام خدا ببینند، و آن را برداشتی از شخصیت خدا ببینند، نه نظر شخصی شما.

(۹) همان گونه که احکام غذائی را نیز تغییر داده بود (مرقوس ۷: ۱۹).

(۱۰) توجه نیز بکنید چگونه رابطه متقاضیان را با موضوع عنوان نمود (ارتباطی که با عهد قدیم ایجاد می نماید - اعمال ۱۰: ۴۲ و ۴۳).

(۱۱) به همین دلیل است که مشاوران مسیحی ممکن است نصایح اشخاصی را بشنوند و در خصوص آن بحث و گفتگو نیز بکنند، اما چون از انسان بر خواسته، لازم می دانند دوباره به کلام رجوع کنند تا هر برداشتی، صلاحیت الهی خود را بدست آورده باشد. همه برداشت های مشاوران مسیحی (و متقاضیان آنها) باید از صافی روح القدس (مطابقت با کلام) رد شده باشد.